

شاهکارهای هنری ایران

دکتر عیسی بهنام
استاد دانشکده ادبیات

در راه سرخس به مشهد در میان بیابانی که فقط در بعضی از فصول سال گوسفندان در آن به چرا میپردازند از دور چیزی شبیه به کاروان‌سرای نمودار است. از این گونه کاروان‌سراها در میان بیابان‌های لم‌بزرع و حتی در میان کویر مرکزی ایران زیاد دیده میشود. مردم در زمان‌های قدیم با اسب یا شتر و یا کجاوه و پالکی مسافرت میکردند و ناچار بودند در فاصله‌های معینی برای استراحت خود و تغذیهٔ دوایشان توقف کنند و وجود چنین کاروان‌سرای در میان راه برایشان بسیار ذقیمت بود. اگر حال حاضر را در نظر بگیریم این کاروان‌سرا در بدترین نقطه‌ای که در جهان ممکن است باشد ساخته شده است، ولی بهمین دلیل در این نقطه ساخته شده زیرا وسیله‌ای بوده است که در آن نقطه سخت و بد مسافران بتوانند در پناه قرار گیرند و آسایشی داشته باشند. در واقع برای طی راه از نیشابور به مرو، کاروان‌ها ناچار بودند از این محل عبور نمایند.

حمدالله مستوفی راجع به این راه میگوید: از نیشابور تا ده‌باد هفت فرسنگ فاصله است و از آنجا راه هرات از دست راست منشعب میگردد، و اگر از ده‌باد به طرف چپ برویم پس از طی ۵ فرسنگ به دهکدهٔ خاکستر میرسیم و اگر سه فرسنگ دیگر طی کنیم به رباط‌سنگ خواهیم رسید و پس از شش فرسنگ دیگر به رباط مار میرسیم و پس از هفت فرسنگ دیگر رباط توران (یا نوران) پدیدار میشود و باز پس از هفت فرسنگ دیگر از دوگدرنه عبور میکنند که هر کدام در حدود نیم فرسنگ طول دارد و به رباط آبگینه میرسند و سرخس در شش فرسنگی آن قرار دارد.

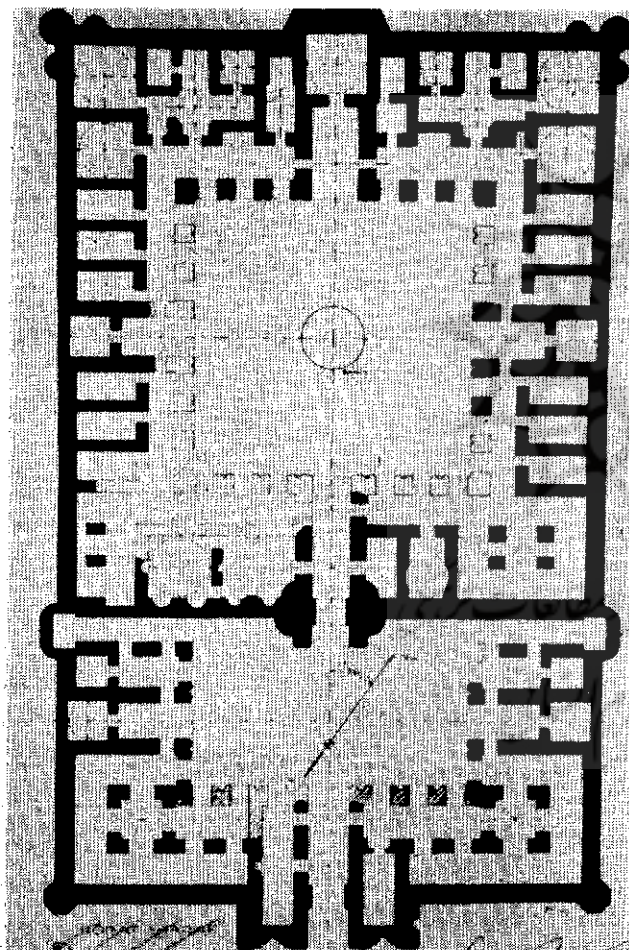
این رباط آبگینه بدون شك همان رباط شرف است که ما امروز از آن صحبت می‌کنیم و در زمان مغول به علت زیبایی آن تحت نام رباط آبگینه شناخته شده است.

آقای محمود راد در مورد این بنا چنین گفته است: (آثار ایران جلد ۴ جزوهٔ ۱) احتمالاً این بنا از شرف‌الدین ابوطاهر بن سعدالدین بن علی است که در سال ۴۸۱ هجری به خراسان آمد

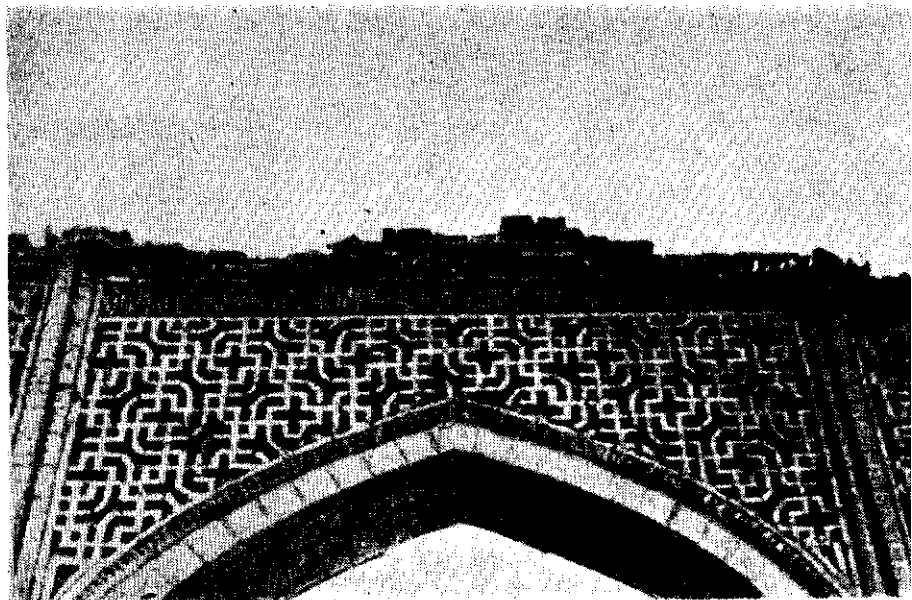
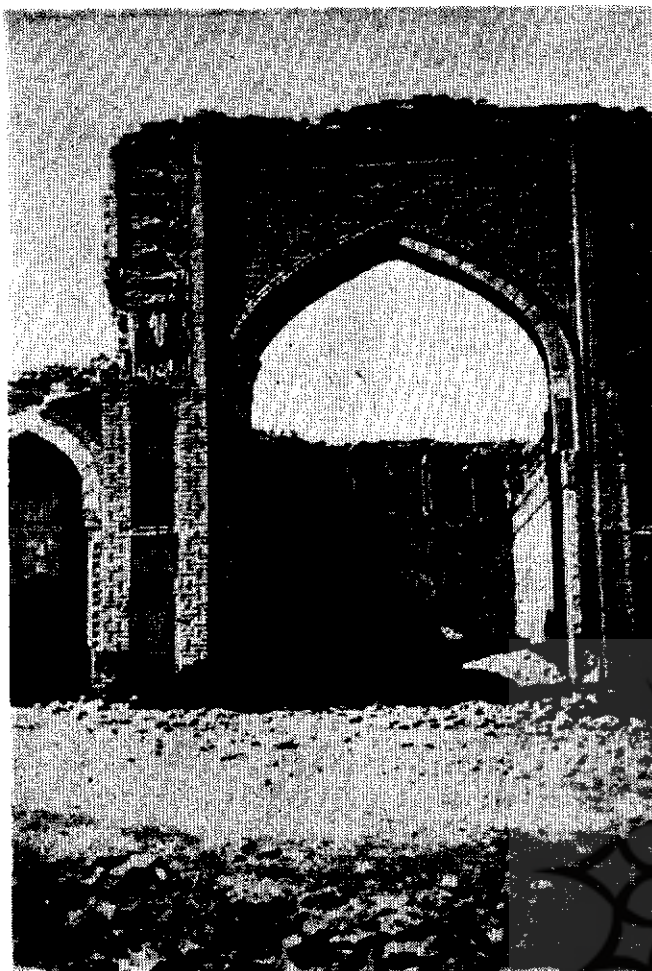


رباط شرف در میان بیابان خشک از مهارت استادان ایرانی در دوران پادشاهی سلطان سنجر با ما سخن می‌گوید

في عالي دولة السلطان المعظم شاهانشاه الأعظم مالك رقاب الأمم سيد ملوك
العرب والمعجم أطال الله بقاءه معز الدنيا والدين ابوالحرث سنجر بن ملك شاه برهان امير
المؤمنين أعز الله انصاره و باهتمام خاتون و السلمين ملكة نساء العالمين
معزة آل افراسياب قتلغ بلكا سيده ترکان بنت الخاقان الأعظم أدام علاها
الله في شهر سنة تسع وأربعين و خمسمائة



راست : ایوان اصلی حیاط بزرگ ریاط شرف با وجود عمر هشتاد ساله اش هنوز مانند عروس زیبایی شاهد هنرنمایی استادان هنرمند ایران
است . چپ : حیاط اصلی ریاط شرف که برابر سنت های قدیم ایران بصورت بنای چهار ایوانی ساخته شده تالارهایی برای اقامت پادشاهان
وظائفای دیگری برای مسافران دیگر که از مرو به نیشابور می آمدند ساخته شده است ملازمان و مستخدمین در حیاط کوچکی که در مقابل آن قرار
داشت جای می گرفتند



راست : آجر تراشان هنرمند با ذوق و سلیقه مخصوصی لچک‌های بالای قوس ایوان‌ها را زینت نموده‌اند . چپ : در زیر این ایوان هنگامیکه هنوز اطاق آن برج بود پادشاهان با قدرتی مانند سلطان سنجر وقت گذرانده‌اند

و مدت چهل سال حکومت مرو را برعهده داشت و در تاریخ ۵۱۵ هجری به وزارت سلطان سنجر رسید .

اکنون به این رباط شرف نزدیک می‌شویم و عکسی از ایوان زیبای آن ارائه می‌دهیم .

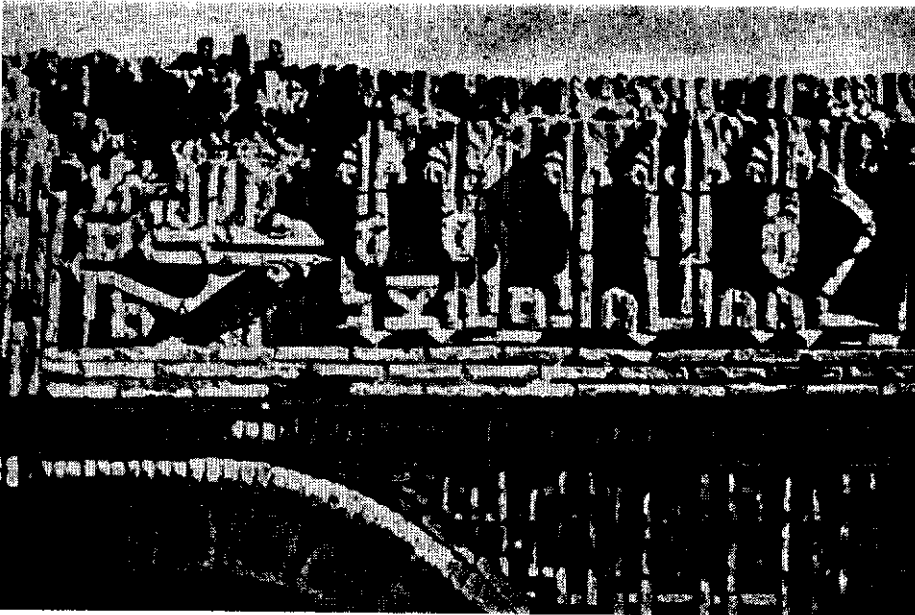
در ایوان شمالی کتیبه‌ای که در صفحه قبل ملاحظه می‌گردد خوانده می‌شود و بنا بر این معلوم می‌شود که در سال ۵۴۹ در زمان پادشاهی سلطان سنجر در ایوان انتهای صحن رباط تعمیراتی شده است .

ما میدانیم که در سال ۵۴۸ هجری ترکان غز ، سلطان سنجر را اسیر کردند این ترک‌ها در مراتع اطراف بلخ به سر می‌بردند و هر سال ۲۴۰۰۰ گوسفند به آشپزخانه سلطان سنجر می‌فرستادند . طرز رفتار و وصول کنندگان این مالیات باعث اغتشاشات و خونریزی‌هایی شد و در نتیجه حاکم بلخ از سلطان سنجر تقاضا کرد به او اختیار دهد تا این ترک‌های ناآرام را مطیع سازد و به جای ۲۴ هزار گوسفند از آنان ۳۰ هزار گوسفند مطالبه نمود . ولی ترکان غز این حاکم خونریز را از بلخ بیرون کردند و سلطان سنجر پس از مشورت با اطرافیان تصمیم گرفت به بلخ برود . ترکان معذرت طلبیده پیشنهاد کردند صد هزار دینار و هزار غلام بدهند ولی سلطان عذر آنها را نپذیرفت .

وقتی سلطان سنجر نزدیک چادرهای ترکان غز رسید آنها با زن و بچه‌هایشان با حالت تضرع پیش آمدند و معذرت

خواستند و پیشنهاد کردند که به تعداد خانواده‌هایشان شمش‌های نقره به او تقدیم کنند . امرای سلطان مانع پذیرفتن این پیشنهاد شدند و جنگی در گرفت و ترکان غز که ناامید بودند چنان مبارزه کردند که قشون سنجر را درهم شکستند و خود او را اسیر کرده به مرو بردند . سپس عده‌ای ماجراجو به آنان ملحق شده بطرف نیشابور روان گردیدند و چون مردم نیشابور مقاومتی نشان دادند و چند نفر از ترکان کشته شدند دستور قتل‌عام شهر را دادند و مسجد بزرگ آن شهر را سوزاندند . سپس در خارج شهر چادر زده هر روز برای آزار مردمان وارد شهر می‌شدند و در شهرهای دیگر خراسان نیز به همین طریق رفتار کردند .

در تاریخ ۵۵۰ هجری هنگامی که سنجر در قید اسارت آنان بود انوری می‌گوید : مساجد را در شهر به عنوان اسطبل چهارپایانشان اختیار کرده بودند و در هیچ محلی خطبه‌ای خوانده نمی‌شد زیرا نه خطبه‌خوان و نه منبری باقی مانده بود .



راست بالا : ایوان ورودی حیاط اصلی رباط شرف با وجود خرابی‌هایی که در مدت دو قرن بر آن وارد آمده هنوز زیبایی خود را از دست نداده است
راست پائین : محراب حیاط اول رباط شرف با وجود خرابی‌هایش هنوز مانند شاهکاری از هنر گچ‌بری ایران در زیر آفتاب سوزان منتظر دیدار هنردوستان است
چپ بالا : درکنار سردر ورودی رباط شرف خطوط کوفی که در آجر تراشیده شده نشان می‌دهند که آجر تراشان ایرانی از هر موضوعی برای هنر نمایی خود استفاده می‌نموده‌اند

بنابراین احتمال دارد که در سال ۵۴۸ هنگام واقعه ترکان غز در رباط شرف نیز خرابی‌هایی بوجود آمده باشد و سال بعد تعمیراتی در آن به‌عمل آمده و این کتیبه مربوط به همان زمان است .

رباط شرف با وجود خرابی‌هایش امروز بسیار زیباست. از خارج دیوارهای آجریش محکم و قوی است و از داخل زینت‌هایش به منزله شاهکارهای بزرگی از هنر آجر تراشی و گچ‌بری ایران است ، درکنارش آب‌انبار بزرگی است که آب باران در آن ذخیره می‌گردند زیرا اطراف آن چشمه یا رودخانه وقتاتی نیست .

رباط شرف دو حیاط دارد و در هر یک از حیاط‌ها چهار ایوان است . اطاق‌های متعددی در اطراف حیاط‌هاست که محل اقامت مسافران بوده است . در یکی از اطاق‌ها محرابی است که در آن نماز خوانده میشد . حیاط دومی بزرگ‌تر از حیاط اولی و زیباتر از آن است و محل اقامت بزرگان یا شخص پادشاه بوده است .

